

مروری بر کتاب

«نفحات الازهار فی خلاصة عبقات الانوار»

عبدالحسین طالعی *

■ مقدمه

در سده‌ی دوازدهم و سیزدهم هجری، یکی از مشاهیر اهل سنت هند، عبدالعزیز بن ولی الله دهلوی (۲۵ ماه رمضان ۱۱۹۵ - ۷ شوال ۱۲۳۹)، کتابی به نام «تحفه‌ی اثنا عشریه» نگاشت که در ضمن دوازده باب به ردّ و انکار عقاید شیعه پرداخت، از جمله باب پنجم تا هشتم که به ترتیب در باب الهیات، نبوت، امامت و معاد سخن می‌گوید. دانشوران شیعی، از همان زمان، به پاسخ‌گویی مطالب این کتاب پرداختند. بعضی تمام کتاب را هدف قرار داده، و برخی دیگر، پاره‌ای از ابواب را پاسخ گفتند. شمار این کتاب‌ها بیش از ۲۵ عنوان است که محقق طباطبایی در مقاله‌ی «موقف

الشيعه من هجمات الخصوم» فهرستی از آنها را بر می‌شمارد.^۱

در میان این کتاب‌ها، چند کتاب از علامه سید محمد قلی کنتوری^۲ (۵ ذیقعه ۱۱۸۸- ۴ محرم ۱۳۶۰) جلب نظر می‌کند:

- کتاب «السیف الناصری» در جواب باب اول تحفه‌ی اثنا عشریه .
 - کتاب «تقلب المكائد» در جواب باب دوم تحفه‌ی اثنا عشریه.
 - کتاب «برهان السعاده» در جواب باب هفتم تحفه‌ی اثنا عشریه.
 - کتاب «تشبيد المطاعن» در جواب باب دهم تحفه‌ی اثنا عشریه.^۳
 - کتاب «مصارع الافهام» در جواب باب یازدهم تحفه‌ی اثنا عشریه.
- از علامه سید محمد قلی، فرزندان دانشوری بر جای مانده است از جمله :

سید اعجاز حسین (۲۱ رجب ۱۲۴۰- ۱۷ شوال ۱۲۸۶).^۴ سید سراج حسین (متوفی ۱۲۸۲).
میر حامد حسین (۱۲۴۶- ۱۸ صفر ۱۳۰۶).
ما در این گفتار، به شناساندن مختصر ایشان و کتاب گرانشگش «عبقات الانوار» می‌پردازیم.^۵

■ آشنایی با عبققات الانوار

عبقات الانوار، یکی از آثاری است که در پاسخ باب هفتم تحفه‌ی اثنا عشریه، تألیف شد.

۱. ترجمه‌ی فارسی این مقاله در کتاب «کتاب و کتابخانه» اثر غلامرضا فدائی عراقی (تهران، مرکز مدارک فرهنگی، ۱۳۷۸) آمده است و هم چنین آقای محمد صحتی سردودی در مقاله‌ی «عبقات الانوار، کاری کارستان» (مشعل جاوید، قم: دبیرخانه کتاب سال ولایت، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱-۱۴۶) نیز فهرستی از آن‌ها را آورده است.

۲. علامه سید محمد قلی فرزند سید محمد حسین کنتوری، از سادات موسوی و از علمای بزرگ قرن سیزده و از صاحب نظران برجسته در علم کلام در شبه قاره بوده است. ایشان اهتمام زیادی در تألیف کتب کلام امامیه بویژه در رد بر مخالفین داشتند بطوریکه تالیفات فراوانی از ایشان از جمله تطهیر المومنین من نجاسة المشرکین، الاجویه الفاخره فی رد الاشاعره و ... برجای مانده است.

۳. با تحقیق برات علی سخی داد، میر احمد غزنوی و علام بنی بامیانی، در ۱۶ جلد چاپ شده است.

۴. در باب او، بنگرید: مدخل «کنتوری، اعجاز حسین» در: دایرة المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۸۵، ج ۲.

۵. در این توضیحات، از رساله‌ی «دراسات فی کتاب العبققات» نوشته آیه الله سید علی میلانی (۱۸۰ صفحه، به ضمیمه‌ی نخستین جلد نفحات الازهار) بهره گرفتیم. خلاصه‌ای از این کتاب در مقاله‌ی: «السید حامد حسین و کتابه العبققات» در: مجله تراثنا، شماره ۴، سال ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۴-۱۵۶ از خود ایشان آمده است.

اهمیت این کتاب جاودانه آن چنان بود که نام و یاد مؤلف آن را برای همیشه در طول تاریخ و در دل‌های حق‌طلبان جاودانه ساخت؛ به گونه‌ای که با وجود دیگر تألیفات میرحامد حسین از یک‌سو، و دیگر کتاب‌هایی که در پاسخ باب هفتم تحفه‌ی اثنا عشریه نوشته شده؛ تنها نام میرحامد حسین - آن هم با یادگار ماندگارش عبقات الانوار - پیوند استوار یافت و بر جای ماند. باب هفتم از کتاب تحفه‌ی اثنا عشریه به دو بخش اصلی تقسیم شده که هریک از آن دو بخش، به بخش‌های فرعی کوچکتر تقسیم شده‌اند. علامه میرحامد حسین در پاسخ به هر یک از آن بخش‌های فرعی، یک مجلد مستقل نگاشت. تفصیل این مجلدات به شرح زیر است:

- مجلد اول: حدیث غدیر «من كنتُ مولاه فهذا عليُّ مولاه».
- مجلد دوم: حدیث منزلت «أنتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي».
- مجلد سوم: حدیث ولایت «إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ وَ هُوَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي».
- مجلد چهارم: حدیث طیر «اللَّهُمَّ ائْتِنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَأْكُلُ مَعِيَ مِنْ هَذَا الطَّيْرِ».
- مجلد پنجم: حدیث مدینه‌العلم «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا».
- مجلد ششم: حدیث تشبیه «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ... فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ».
- مجلد هفتم: حدیث مناصبه «مَنْ نَاصَبَ عَلِيًّا الْخِلَافَةَ فَهُوَ كَافِرٌ».
- مجلد هشتم: حدیث نور «كنتُ أنا و عليٌّ نوراً بين يدي الله عزَّ و جل...».
- مجلد نهم: حدیث رایت «لَأُعْطِيَنَّ الرَّأْيَةَ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ».
- مجلد دهم: حدیث مع الحق «عليٌّ مع الحقِّ و الحقُّ مع عليٍّ».
- مجلد یازدهم: حدیث خاصف النعل «إِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يَقَاتِلُ عَلِيَّ تَأْوِيلَ الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلَتْ عَلِيَّ تَنْزِيلَهُ... وَ لَكِنْ خَاصَفَ النَّعْلِ»^۱.

۱. بعضی از این مجلدات را مؤلف محترم شروع کرده ولی فرصت اتمام آنها را نیافته است، مانند مجلد: ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱.

مجلد دوازدهم: حدیث ثقلین «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ... كِتَابُ اللَّهِ وَ عِترَتِي...»
مجلد آیات ، شامل شش آیه ی:

- ۱- ﴿ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا... ﴾ (مائده / ۵۵)
- ۲- ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ... ﴾ (احزاب / ۳۳)
- ۳- ﴿ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ﴾ (شوری / ۲۳)
- ۴- ﴿ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا... ﴾ (آل عمران / ۶۱)
- ۵- ﴿ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴾ (رعد / ۷)
- ۶- ﴿ وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴾ (واقعه / ۱۰-۱۱)

■ ویژگی های نگارشی کتاب «عبارات الانوار»

۱- مهم ترین ویژگی کتاب، پای بندی به اصول و آداب مناظره و قوانین پژوهش مانند: حلم، متانت، امانت در نقل، استناد به مطالب مورد قبول مخالف، فراگیری همه جوانب به طور کامل، نشان دادن تحریفات و تصرّفات، نشان دادن تناقض های سخنان دهلوی، رجوع به شأن صدور احادیث، بررسی متون احادیث و... است.

۲- ساختار ساده اما دقیق در بیان محتوا:

مطالب کتاب در دو بخش اصلی تقسیم شده که به شرح زیر می باشد:

الف (بخش سند ، شامل:

- استقصای راویان حدیث ، به ترتیب: صحابه، تابعین، عالمان تا اواخر قرن

سیزدهم.

- توثیق افراد یاد شده، بر اساس منابع رجال و تراجم اهل تسنن. مؤلف در

این مرحله گاهی به مباحثی که در تضعیف آن شخصیت ها بیان شده،

پاسخ می گوید، که برای این کار از دانش های: رجال، تراجم، کتاب شناسی

و تاریخ بهره می گیرد.

ب (بخش دلالت، شامل:

- اثبات دلالت حدیث بر امامت اهل بیت (علیهم السلام)

- پاسخ گویی به سخنان و شبهات دهلوی در مورد دلالت حدیث.

- پاسخ به تعارض احادیث دیگر با حدیث مورد نظر.

۳- احاطه‌ی مؤلف بر منابع مختلف و گسترده‌ی علمی در عرصه‌ی امامت

■ کتاب «نفحات الازهار»

گستره‌ی پژوهش میرحامد حسین، چنان است که گاهی اوقات، در برابر چند سطر دهلوی، ده‌ها صفحه سخن می‌گوید.

وی در این شیوه، از نقل قول‌های طولانی کمک می‌گیرد تا علاوه بر اشکال‌های فعلی، شبهات مقدر را نیز پاسخ گوید. این نقل قول‌های تخصصی در لابه‌لای متن، گاه چنان به درازا می‌کشد که رشته‌ی بحث را از دست خواننده‌ی مبتدی بیرون می‌کشد. به عبارت دیگر، بازگشت از آن همه نقل قول به رشته‌ی اصلی بحث، گاه چنان دشوار می‌شود که فقط از عهده‌ی پژوهشگران بر می‌آید.

افزون بر این مشکل باید نثر دشوار کتاب را که نثر فارسی هندی قرن سیزدهم است، و چاپ سنگی بودن آن که موجب می‌شود تا اصل کتاب فقط برای معدودی از محققان مفید واقع شود، را افزود. بدین روی، تلخیص این کتاب سترگ، طرح بعضی از بزرگان و مراجع^۱، و آرزوی برخی دیگر، در طول سالهای متمادی بوده است.^۲

تا آنجا که برای حل این چند مشکل، و تحقق این آرزوی دیرینه، حضرت آیه الله سیدعلی حسینی میلانی، کتاب «نفحات الازهار فی خلاصة عبقات الانوار» را تالیف نمودند. در این کتاب از شیوه‌ای بدیع در بیان محتوای کتاب عبقات الانوار استفاده شده که عبارت است از:

۱. تلخیص کتاب، به گونه‌ای که نقل قول‌های متعدد، رشته‌ی اصلی بحث را تحت الشعاع قرار ندهد.

۲. تبدیل زبان کتاب، از فارسی پیچیده‌ی قدیم به عربی روان معاصر. بدین

۱. مانند محدث جلیل القدر شیخ عباس قمی (ره) که کتاب نفیس «فیض القدير فی ما يتعلق بحديث الغدير» را در تلخیص مجلد اول کتاب عبقات نگاشته‌اند.

۲. این مطلب، از زبان علامه ذوفنون مرحوم شیخ حیدرقلی سردار کابلی، نقل شده است. بنگرید: کیوان سمیعی، غلامرضا، زندگی‌نامه سردار کابلی.

ترتیب، شعاع بهره‌وری از این کتاب، گسترش یافته و برای تمام آشنایان به زبان عربی قابل استفاده شده است.

۳. در بخش سند احادیث، قسمتی تحت عنوان «ملحق» در هر مجلد آورده شده که در این قسمت، منابعی افزون بر آنچه در دسترس صاحب عیقات بوده و یا پس از ایشان تألیف و منتشر شده، بیان گردیده و مدارک دیگری برای احادیث، ذکر شده است.

۴. بیان مدارک مطالب نقل شده در عیقات بر اساس چاپهای رایج موجود در شیعه و اهل سنت.

۵. چاپ زیبا و قابل استفاده برای همه‌ی طبقات مردم.

از طرف دیگر رعایت امانت علمی توسط نویسنده و پشتکار عظیم ایشان در این کار ارزشمند، در خلال ده‌ها سال که تنها رهنوردان وادی تحقیق، با دشواری این کار آشنایند، سبب شد تا این کتاب، جای خود را در محافل و مجالس اهل علم و تحقیق بگشاید، به گونه‌ای که، بهره‌وری از این تلخیص در حدی رسیده که گاهی بیش‌تر از اصل کتاب عیقات، قابل استفاده است.

گفتنی است که ترجمه‌ی فارسی این کتاب، توسط مؤسسه‌ی فرهنگی - انتشاراتی نبأ در تهران، از سال ۱۳۷۲ شمسی آغاز شده که در آخرین مراحل چاپ و نشر قرار دارد. مجموعه‌ی ترجمه‌ی فارسی، قرار است در ده مجلد انتشار یابد، که تاکنون شش مجلد آن منتشر شده است و ترجمه‌ی مجلدات حدیث طبر، ولایت، غدیر و آیات نیز به زودی منتشر می‌شود.^۱

■ نکته‌ی مهم

آثار بزرگان امامیه در زمینه‌ی امامت، به دو گروه اصلی تقسیم می‌شود:

گروه اول: کتاب‌های تبیینی.

گروه دوم: کتاب‌های احتجاجی.

۱. نگارنده‌ی این سطور، توفیق و افتخار ویرایش برخی از مجلدات ترجمه‌ی فارسی را بر عهده داشته است. والحمدلله كما هو امله.

کتاب‌های گروه اول، خطاب به افرادی است که فضائل اهل بیت و امامت آن بزرگواران را، به جان و دل پذیرفته‌اند؛ و با تبعیت از امامان معصوم علیهم‌السلام، پیوسته به آن آستان مقدّس تقرّب می‌جویند.

اما مخاطبان گروه دوم چنین نیستند. اینان ولایت امامان معصوم علیهم‌السلام را قبول نکرده و در امامت ایشان تردید دارند. جمعی از اینان، حتی فضائل روشن امامان معصوم علیهم‌السلام را انکار می‌کنند. و برخی دیگر، آن‌ها را قبول دارند بدون این که به لوازم و نتایج آن پای‌بند باشند. به هر حال، دانشوران بزرگ امامیه، گاهی با گروه دوم سخن گفته‌اند و خطاب به آنان قلم زده‌اند؛ و آثاری پدید آورده‌اند که در آن آثار، روایات یا نکاتی از شخصیت‌های مورد قبول مخاطبان خود نقل کرده‌اند، آن‌گاه مخاطبان خود را، به الزام عقلی، به قبول نتایج ناشی از آن روایات یا نکات فرا خوانده‌اند. کتاب عبقات الانوار و نفحات الازهار و نیز کتاب الغدير، از این گونه‌اند.

این نگرش به بحث، و بیان مطالب برای گروه دوم در برخی کتب، نتایجی در بردارد. از جمله آن که در این کتاب‌ها، خوانندگان می‌بینند که دانشوری از بزرگان امامیه، نام امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیها‌السلام را در شمار صحابه و در ردیف ابوهریره و عبدالله بن عمر ذکر می‌کند. یا این که از امام سجاد و امام باقر علیهم‌السلام در شمار تابعین، و در عرض نام‌هایی شگفت مانند حسن بصری یاد می‌کند. چرا که مخاطب کتاب، امامت آن امامان معصوم علیهم‌السلام را نپذیرفته، بلکه آن بزرگواران را در حدّ صحابی یا تابعی می‌شناسد.

همچنین می‌بینیم گروهی از دانشمندان که عمر خود را در ترویج مکتب خلفا گذرانده‌اند و در این جهت تلاش‌ها کرده و کتاب‌ها نوشته و درس‌ها گفته‌اند، در کتاب‌هایی مانند الغدير و عبقات الانوار، به عنوان دانشمندان صاحب نظر، عابد، دقیق، حافظ حدیث و... معرفی می‌شوند.

هدف بزرگان امامیه از این کار، آن است که نشان دهند استنادشان به سخن بزرگان و دانشمندان قوم است نه افراد متوسط و ضعیف و ناشناخته. به همین دلیل، کلام نویسندگان رجال و تراجم مکتب خلفا را در مورد آنان نقل می‌کنند که آکنده از مدح و تمجید و بیان مقامات علمی ایشان است؛ بدون آن که خود به این گونه تمجیدها عقیده داشته باشد. در واقع، کتاب‌هایی همانند عبقات الانوار، به صحنه‌ی دادگاهی شباهت دارد، که در آن،

با طرف مقابل، بحث و گفتگو می‌شود. و به کلام او یا هم‌فکرانش استناد می‌گردد، گرچه سیاه‌رویانی باشند که آن‌ها را موجه و معتبر می‌دانند.

بر نکات یاد شده‌ی پیشین می‌افزاییم که به دلیل احتجاجی بودن، عبقات الانوار و کتاب‌های مشابهی آن، بسیاری از حقایق والای ولایت در آن‌ها ناگفته مانده است، چراکه در این‌گونه کتاب‌ها، با مخاطب خاص خود سخن می‌گویند، و به ظرفیت آن مخاطب نظر دارند.

لذا بیان بسیاری از حقایق را به آثار دیگر خود واگذار نموده‌اند، چرا که «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد».

این نکته‌ی مهم، از آن روی گفته شد که در بعضی از مقالات و آثار، به نقل قول‌های علامه میرحامد حسین از آثار مکتوب در مکتب خلفا استناد شده و بر اساس آن، وثاقت و علمیت و زهد و تقوای راویان و مؤلفان آن آثار، نتیجه گرفته می‌شود. توجه به این مهم، در استفاده از نفحات الازهار نیز ضرورت دارد، از آن روی که تلخیص عبقات الانوار است و همان راه را پیموده است.

■ گام‌های ضروری دیگر

عبقات، و به تبع آن، نفحات، دریایی است پر بار که در هر گوشه‌ی آن گوهرهایی در دل صدف نهفته است. کشف این صدف‌ها و استخراج این گوهرها، کار غوصان و گوهرشناسان است که از تمام ظرفیت این اقیانوس بهره گیرند، نه این‌که به لایه‌ی ظاهری آن اکتفا کنند.

بدین روی، باید جهت بهره‌مندی عموم مردم از این کتب، آنها را به صورت متون درسی یا کمک درسی و کتاب‌های خواندنی در سطوح مختلف سنی و علمی، درآورد. یعنی این‌که، تألیف نفحات را نخستین گام بهره‌وری از این گنجینه‌ی سترگ دانست، نه آخرین گام. این راه بزرگ، راهنوردانی مخلص و پر کار می‌طلبد، و گام‌های استوار... . توفیق نویسنده محقق «نفحات الازهار» و دیگر ره‌پویان این راه را در پرتو عنایات حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه، از خدای حکیم می‌طلبیم.

در این گلزار، جمله اعضا را چشم و گوش سازیم، تا هماره ببینیم و بشنویم. و توفیق، از خداست.